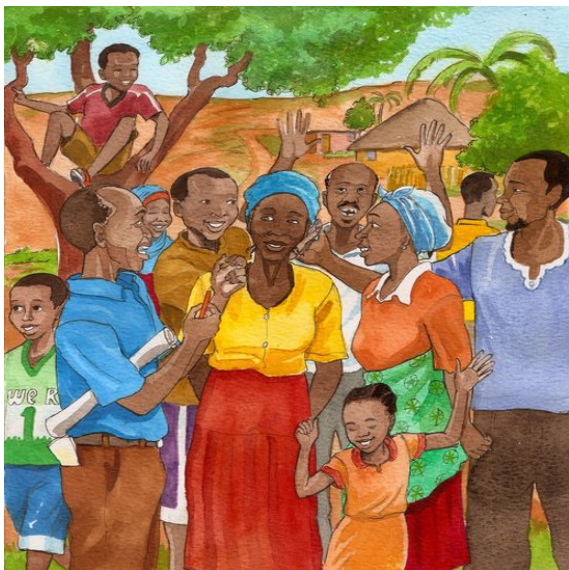


تصميم



✎ Ursula Nafula

👤 Vusi Malindi

🗨️ Marzieh Mohammadian Haghighi

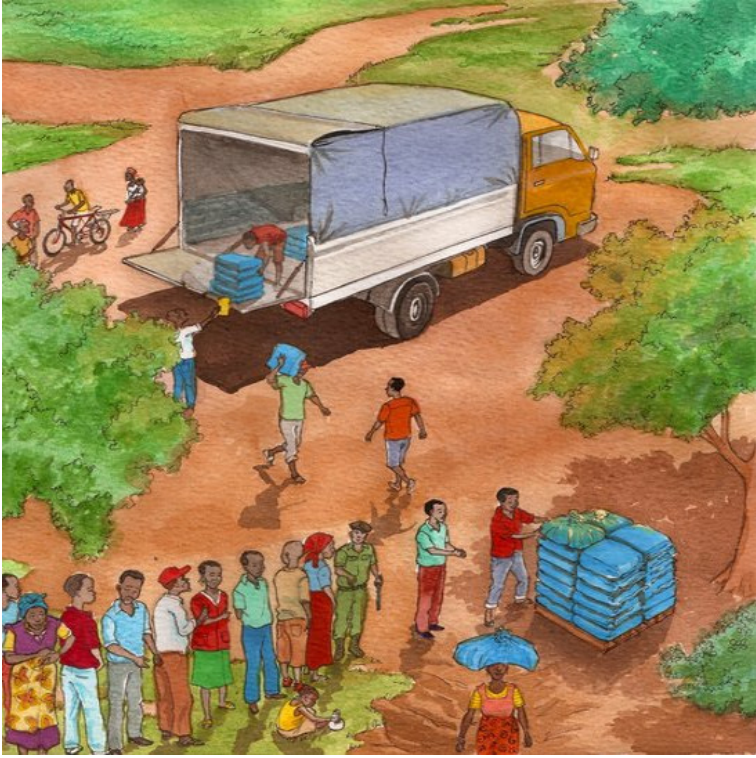
📊 2

💬 فارسی



دِهگده ي مَن مُشکلاتِ زيدي داشت. ه مَجبور بوديم که براي بُردنِ
آب از يک لوله در يک صَف طولاني هِستيم.

ه منتظر بخشش غذا از طرف دیگران بودیم.



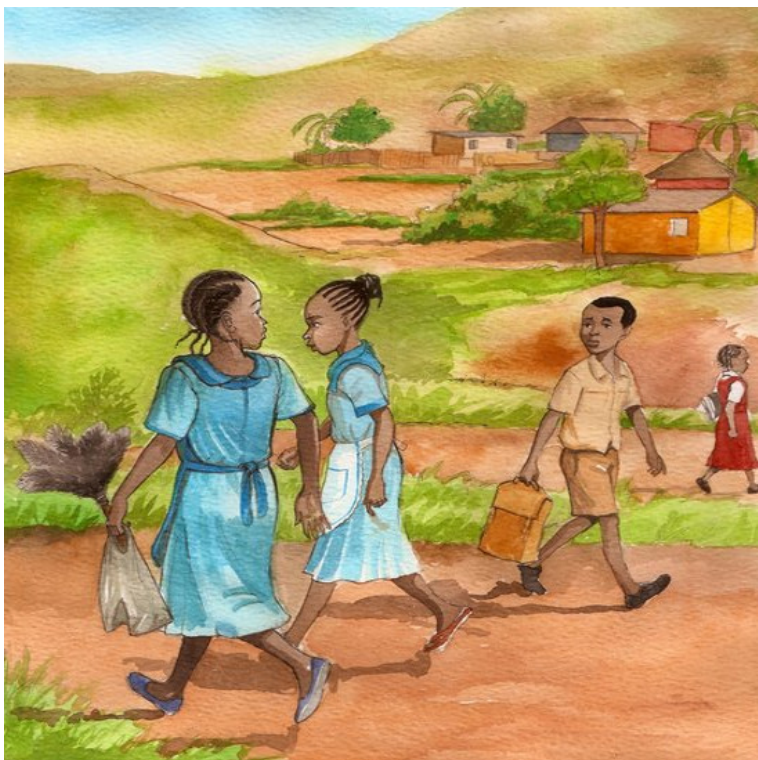
ه درِ خانه هیهن را به خطِرِ دزدان زود قفل می‌گردیم.

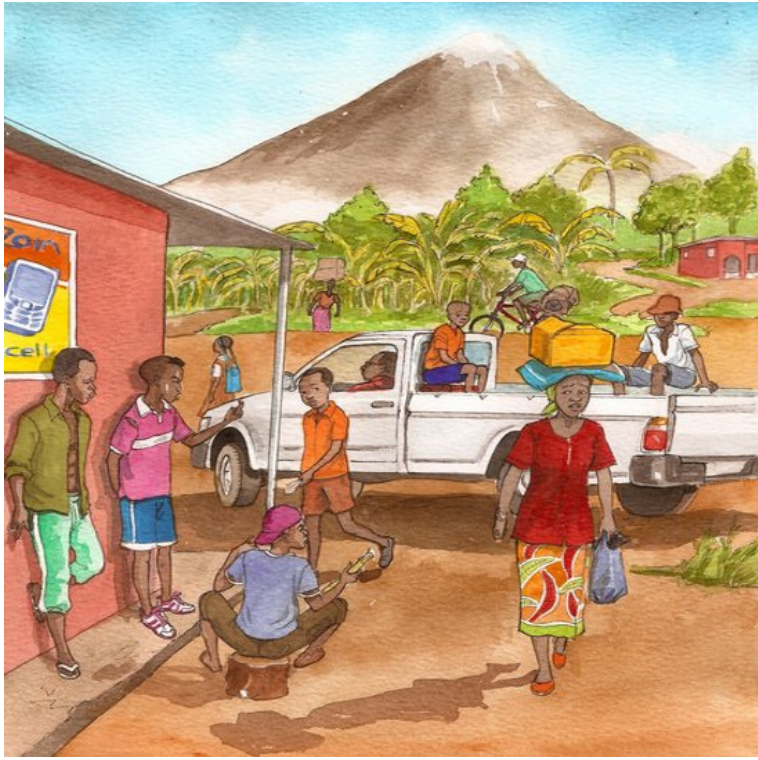


خیلی از بچه ها از مدرسه محروم می‌هندند.



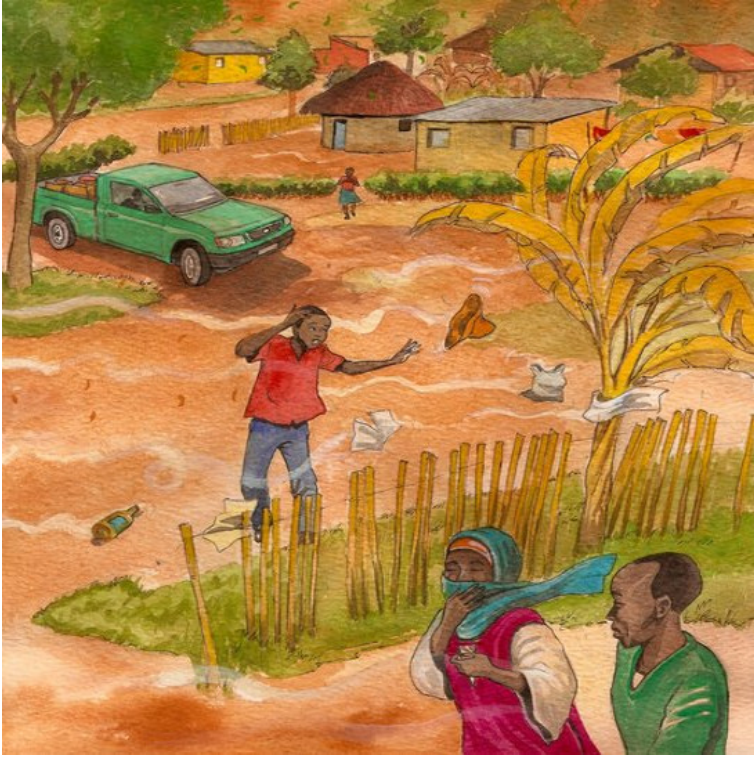
دُخترانِ جَوانِ به عُنوانِ پيشخِدمَتِ دَر روستاهيِ ديگرِ گر
مي گَرَدَنَد.

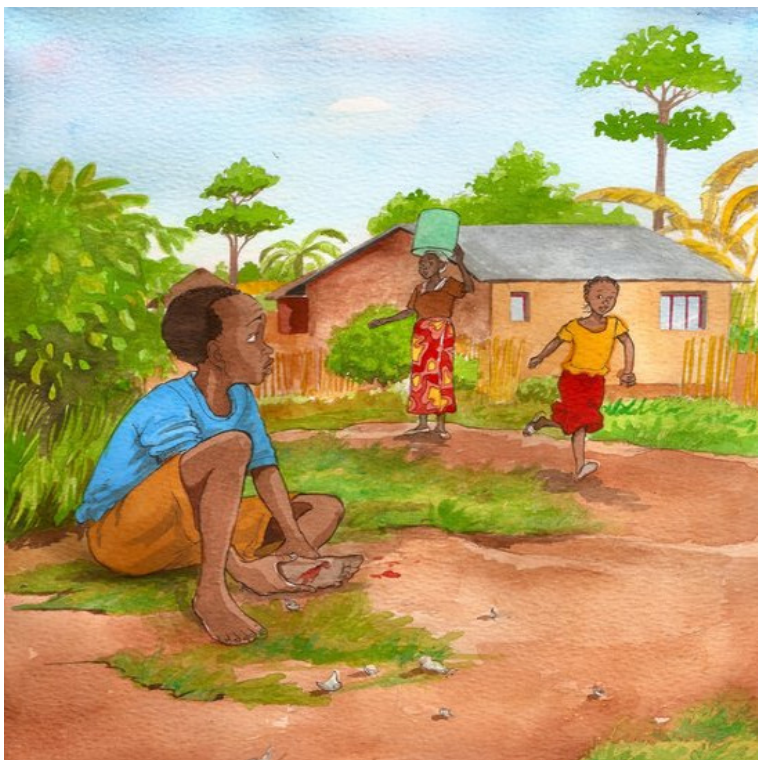




پسّرانِ جوانِ در اطرافِ دهگده پرسیه می‌زدند در حالیکه دیگران
روی زمین هی کتورزی مردم گر میگردند.

وَقْتِي كَهْ جِدْ مِي وَزِيد، كَغْذَهِي بَطِيلَه رُوِي دِرْخَتْنِ وَ جِصْرَه
أُويزَان مِي شُدَنْد.





گاهی اوقات به خطر خُرده شیشه هپی که از روی بی احتیاطی
روی زمین ریخته شده بود دست و پپی مردم دُچر بُریدگی
می شد.

پک روز، آب لوله خشک شد و ظرفهای آب ه خلی هند.



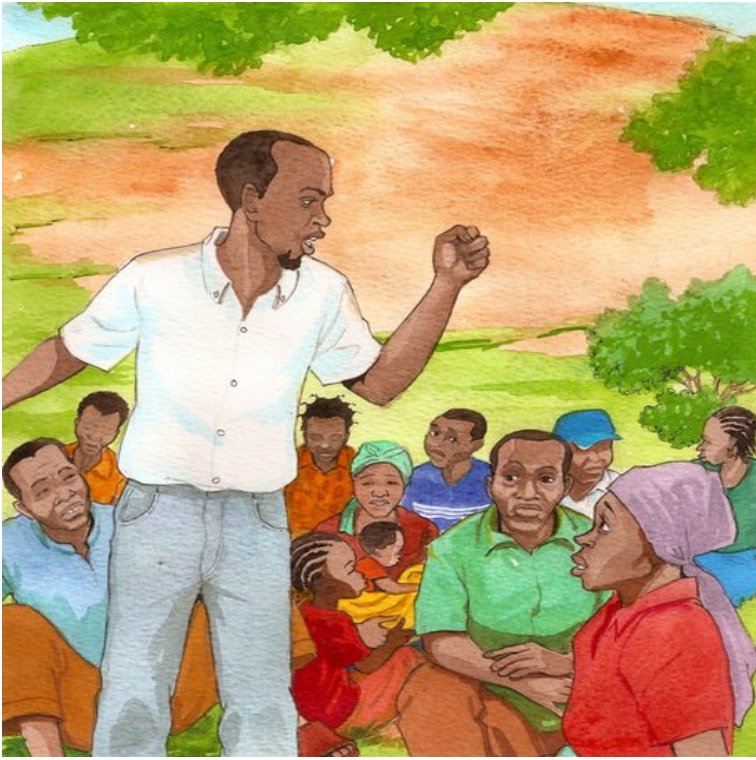


پَدَرَم به تَك تَكِ خَنه هَرَفَت وَ اَز مَرْدُم خَواسَت كه دَر جَلِسِه ي
دِهَكده شِرَكَت كُنند.

مردم زیر یک درخت بزرگ جمع شدند و گوش کردند.



پَدْرَم ايسدَد وَ كُفْت: ه نيز داريَم كه ب هَم گر كُنيم لا بَتوانيَم
مُشكِلاتِهِن را حَل كُنيم.



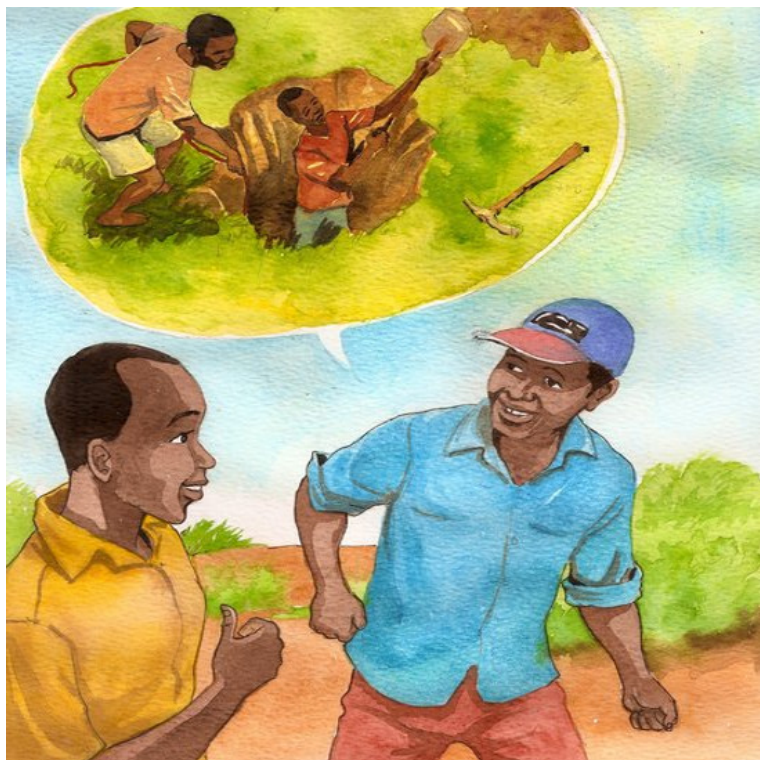


جوھي ھشت ٻڌلہ، روي ڀڪ ڪنڊه ي ڍرخت نڀسسته ٻود و داد زڏ:
من مي توانم در نڀلافت ڪردن ڪمڪ ڪنم.



پڪ ختم گُفت: زَنه مي تَوَانَد دَرگشتنِ مَحصولاتِ غَذايي بِ مَن
هَمراهي كُنند.

مرد دیگر ایستاد و گفت: مرده می‌توانند چه بکنند.





همه د یک صدا فرید زدیم: هدید زندگیهن را تغییر دهیم. از آن روز به بعد همگی د هم کر کردیم د مشکلاتهن را حل کنیم.




Global Storybooks

globalstorybooks.net

تصميم

 Ursula Nafula

 Vusi Malindi

 Marzieh Mohammadian Haghighi

